

نشریه دانشکده ادبیات تبریز

بهار سال

۱۳۳۹

یادداشت‌های مرحوم قزوینی

در ملاقات مورخ اول آبان ۱۳۳۸ شمسی مطابق ۲۴ اکتبر ۱۹۵۹ مسیحی دانشمند ایرانشناس آقای «بازیل نیکیتین» اظهار داشتند که نزدیک به سی جلد از کتابهای مرحوم علامه میرزا محمدخان قزوینی در اختیار ایشان است و این کتابها را خانم سوزان قزوینی دختر مرحوم قزوینی که با مادرشان در آپارتمانی در همسایگی آقای نیکیتین منزل داشته‌اند بایشان اهداء کرده‌اند.

مرحوم قزوینی بشیوه معمول به خودشان در حواشی بعضی از این کتابها یادداشت‌هایی کرده‌اند.

این یادداشتها شامل تصحیحات متن کتابها (مثل اکثر حواشی زین الاخبار گردیزی) و مطالب و یادداشت‌های دیگر (مثل اغلب حواشی مقدمه بر تاریخ مغول از بلوشه) است.

چون آثار مانده از مرحوم میرزا محمدخان قزوینی حتی یادداشت‌های شخصی و پراکنده ایشان متضمن فوائد فراوانی میباشد و نکات دقیق و مفیدی در بردارند و بعلاوه تکمیل اقدام دانشگاه تهران بطبع و نشر «یادداشت‌های قزوینی» نشر این قسمت از

یادداشت‌ها را نیز که در دسترس دانشگاه تهران نبود ایجاب می‌کرد اقدام بنشر آنها را فریضه دانست .

همچنین علاقه خاص دانشمند محترم آقای نیکیتین که بحق شایسته عنوان ایران‌شناسی و ایراندوستی میباشند با انتشار آن یادداشتها ، مشوق نگارنده شد که از ایشان بخواهد آن کتاب‌بهار برای استخراج یادداشتها و حواشی مرحوم قزوینی چند گاهی در اختیار او بگذارند و آقای نیکیتین این خواهش را با کمال بزرگواری و سماحت طبع اجابت کردند .

تنظیم یادداشتها و استخراج حواشی مدتی بطول انجامید تا اینکه توفیق اتمام آن حاصل گشت و اکنون بعنوان ارمغانی از سفر پاریس تقدیم خوانندگان نشریه دانشکده ادبیات تبریز میشود .

با انتشار این یادداشتها کلیه یادداشتهای خصوصی مرحوم قزوینی در دسترس اهل ادب قرار میگیرد و در حقیقت کاریکه دانشگاه تهران بکوشش آقای ایرج افشار با انتشار چند جلد یادداشتهای قزوینی شروع کرده است تکمیل میشود . این کتابها همگی محشی نیستند و بیش از سه ربع آنها بکلی خالی از یادداشت و عاقل از زیور حواشی میباشند .

کتابهایی که مرحوم قزوینی در حواشی آنها یادداشت‌هایی کرده اند و نگارنده آن یادداشتها را استخراج نموده برای نشر در اختیار دانشکده ادبیات تبریز میگذارد عبارتند از :

۱- تاریخ بیهق با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار چاپ بنگاه دانش بتاریخ

مهرماه ۱۳۱۷ خورشیدی .

۲- دیوان خاقانی شروانی بتصحیح و تحشیه علی عبدالرسولی ۱۳۱۶ شرکت

چاپخانه سعادت .

۴- زین الاخبار گردیزی . بسعی و اهتمام و تصحیح اقل العباد محمد ناظم معلم « مسلم یونیورسیتی » درعلیگده (ظ علیگره) هند . درسنه ۱۳۴۷ هجری مطابق سنه ۱۹۲۸ مسیحی درمطبعه ایرانشهر دربرلین جزواتنشارات اوقاف « ای - جی - براون » بطبع رسیده .

۵- جلد اول تاریخ طبرستان تألیف بهاء الدین محمد کاتب معروف به ابن اسفندیار که در ۶۱۳ تألیف شده (نسخه خطی)

۶- سی فصل حضرت قطب العارفین شیخ فریدالدین عطار قدس سره . از نشریات کتابخانه مرکزی بتاریخ بیست و هشتم شهر رمضان ۱۳۵۴ .

چنانکه اشاره شد یادداشتهای مرحوم قزوینی مشتمل است بر تصحیحات متن کتابها یا تکمیل و توضیح مطالب آنها با ذکر شواهد و منابع یا انتقاد متن و نظر مؤلف کتاب، و گاهی نیز اعلام و سنوآت و مطالب و لغاتی را که جلب نظر و توجه ایشان را کرده در حاشیه یادداشت کرده اند .

نگارنده با دقت و احتیاط تام یادداشتهارا از حواشی کتب استخراج و در استخراج و ضبط آنها امانت را کاملاً رعایت کرده است .

از آنجا که محشی علامه این حواشی و یادداشتهارا ضمن مطالعه کتب برای شخص خودشان و بامداد نوشته اند خواندن بعض یادداشتهها و تشخیص پاره ای اسامی و سنوآت سخت دشوار بود ولی بالاخره توفیق استخراج همه یادداشتهها حاصل شد فقط چند کلمه ناخوانده ماند که بجای آنها نقطه گذاشته شد و خوشبختانه فوت این چند کلمه خللی بارکان جمالات و مضمون عبارات وارد نمیسازد .

برای رعایت امانت علاوه بر استخراج یادداشتههای مهم از یادداشتههای بی اهمیت نیز چشم نهوشید و حتی از ذکر مواردیکه مثلاً کلمه ای جلب نظر مرحوم علامه را کرده زیر آن خط کشیده و یا کلمه ایرا با علائمی مشخص کرده اند صرف نظر نکرد .

در خاتمه این سطور لازم میدانم از دوست دانشمند و بزرگوار آقای نیکیتین

انتشار این یادداشتها مظهری دیگر از عشق و علاقه ایشان بایران و ادبیات ایران است سپاسگزاری کند. همچنین از دوست دانشمند و محقق آقای دکتر خیامپور که نظارت در تصحیح و تطبیق این یادداشتها را تقبل کرده اند و دقت خاص و کم نظیر ایشان ضامن صحت طبع آنها بوده صمیمانه تشکر میکند.

پاریس - ۱۴ فروردین ۱۳۳۹
منوچهر مرتضوی

راهنمای یادداشتها :

- ۱- حواشی هر يك از كتابها جدا گانه استخراج شده است .
- ۲- شماره صفحه و سطر يک يادداشت راجع بآن صفحه و سطر است قيد شده .
- ۳- در صفحات يک يکش از يك يادداشت در حواشی بوده برای سهولت مراجعه بمتن کتاب و تطبیق يادداشت با مرجع آن و جلوگیری از خلط يادداشتها، يادداشتها شماره گذاری شده اند.
- ۴- برای اینکه خواننده يادداشتها در صورت دسترسی نداشتن بنسخ مورد تحشیه از حداقل استفاده معروف نمانند توضیح مختصری درباره هر يك از يادداشتها و موضوع و مورد آنها بين (()) و احيانا در پاورقی داده شده است .
- ۵- شماره صفحات و شماره هائیکه ترتيب يادداشتها را مینمایند و عبارات يک يکش بين (()) نوشته شده اند و پاورقیها از مرحوم قزوینی نیستند .
- ۶- چنانکه در بالا توضیح داده شد عبارت بين (()) و شماره صفحات و شماره ترتيب يادداشتها و پاورقیها از علامه قزوینی نیستند . (()) با « و » () اشتباه نشود . برای توضیح بیشتر چند يادداشت را بعنوان مثال ذکر میکند. در این يادداشتها عبارات يک يکش با حروف درشت نوشته شده از علامه قزوینی میباشد :

الف - ص 4 يادداشتهاى راجع بتاريخ ييهق :

ص ۱۴۳ :

((در حاشیه بيت عربى (فقل فى النصب ... الخ) نوشته اند :)) در هر زبان نامه هم هست این بيت و گویا در حواشی انجام گفته ام که از کیست .
ب - ص 1 حواشی دیوان خاقانی :

پشت جلد :

۸- یکم ۴۷۴ (رجوع شود نیز بمجمل التواریخ ص ۴۴۷ و صراح و منتهی الارب هر دو در ا ح د ، و المعجم فى معاییر اشعار العجم در معانی فردمیم ص ۴۰۴)
((راجع باین بيت است : روز یکم ز سال نو جشن سکندر دوم خاک ز جمره سوم کرده قضای زندگی)) .

ج - ص 3 حواشی دیوان خاقانی :

ص ط :

۱- ((در حاشیه بيت « کلیم وقت و مسیح زمانه خاقانی که عمر خضرش باد و عصمت یحیی » نوشته اند :)) وزن مصراع ثانی ؟

تاریخ بیہق

حواشی مرحوم قزوینی بر تاریخ بیہق با تصحیح و تعلیقات احمد بہمنیار چاپ
بنگاہ دانش بتاریخ مہرماہ ۱۳۱۷ خورشیدی .

پشت جلد :

۱- نمیدانم این از کجا و در چہ تاریخ بدست من رسیدہ است ولی گمان میکنم
کہ در جریان ۱۳۲۰ از وزارت فرہنگ فرستادہ باشند (؟) محمد قزوینی

۲- ہکذا ہکذا والافلا لا ۲۷۴

۳- ان آثارنا تدل علینا ۶۹

۴- حکایت پنج نفر صاحب در صحرا : کرد ، زرگر ، معلم ، دیلم ، عاشق ۱۷۳

۵- خاندان نظام الملک ۷۳

۶- کیست این خوارزمشاہ ینالتکین کہ در سنہ ۵۳۹ و ۵۴۹ در حیات بودہ

و رساتیق بیہق را غارت کردہ ؟ ص ۲۷۱-۲۷۲

۷- کیال ۲۵۳

ص و مقدمہ بہمنیار:

۱- رمز نب = نسخہ برلین نص = نسخہ اصل یعنی نسخہ لندن .

ص ز مقدمہ بہمنیار:

۱- ((مرحوم قزوینی روی «سا» سطر ۷ علامت ف گذاشتہ و در حاشیہ نوشتہ اند))

ف یعنی ساقط .

۲- ((راجع بر رمز «ضا» نوشتہ اند :)) نفہمیدم مناسبت این رمز غریب ضاد

والف با عبارت مہین آن در کجا و چیست ؟

ص یح مقدمه قزوینی :

((در حاشیه ۱۲ زیر «الباب الانساب» خط کشیده و در حاشیه نوشته اند:)) رجوع شود

نص ید (حاشیه)

ص یط مقدمه قزوینی :

((در سطر ۴ روی حرف ص (ورق ۷ ص ۱۳) خط کشیده و در حاشیه نوشته اند:)) ؟ س

ص ک مقدمه قزوینی :

((در سطر ۱۲ و ۲۰ همزه «تممه» را تغییر داده اند به:)) - ۰۰ ((تممه - تئمه)) ،

((همچنین در ص کب سطر ۶))

ص کا مقدمه قزوینی :

((در سطر اول پاورقی عدد داخل پارانتز را اصلاح کرده اند:)) ای فی سنة ۶۷۴

ص ۲۰ :

((در حاشیه ابیات عربی : فی نظام من البلاغة ماشك امرؤ انه نظام فرید ...

الخ نوشته اند:)) از بحر سری است این ابیات ظ

ص ۲۸ :

۱- ((روی «مضاف و منسوب» در عنوان فصل خط کشیده و در حاشیه نوشته اند:))

مأخوذ است قطعا از « ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب » للثعالی .

۲- ((در سطر ۱۶ روی کلمه « جاودان (جاودان و مشعبدان هند) » علامت

گذاشته و در حاشیه نوشته اند:)) قطعا جاودان .

۳- ((در سطر ۱۵ بالای حرف دال ضمه گذاشته (دهات بلخ) در حاشیه

نوشته اند:)) ظ .

ص ۳۰ :

((مصحح کتاب در پاورقی ۱۷ ذیل واژه « سارخک » نوشته است « بفتح را و

سکون خا پشه که بعربی بق گویند » و مرحوم قزوینی روی « بق » علامت گذاشته

در حاشیه نوشته اند:)) بق علی الاصح نام عربی ساس است و پشه بعوضه است ، - شاید

سارخک نیز همان ساس باشد و این کلمه محرف « سرخک » یا لغتی در آن باشد بمناسبت

اینکه سرخ رنگ است ،

ص ۳۹ :

((در سطر ۷ روی کلمه « ایست » (اسب او گزیده ایست و سوار بر جای بمرده) علامت گذاشته در حاشیه نوشته اند :)) ظ اسب .

ص ۵۳ :

۱- ((در سطر ۵ دور مد (ّ) کلمه « آلب ارسلان » خط کشیده آنرا زائد دانسته اند)) الب ارسلان .

۲- ((در سطر ۵ هم روی « کتاب طوابع البلدان » علامت گذاشته در حاشیه نوشته اند :)) از کیست ؟

۳- ((مصحح کتاب درپاورقی ۶ ذیل کلمه « بلطوار » نوشته است : « یص ونب ، فلتوار ، و آن ظاهر آفلطوار بوده که معرب بلط و اراست » . مرحوم قزوینی زیر کلمه « بلط وار » درپاورقی علامت گذاشته در حاشیه نوشته اند :)) ؟ خود این کلمه را از کجا آورده است ؟

ص ۵۴ :

((در سطر چهارم روی « لباب الانساب والقاب الاعقاب » خط کشیده در کنار آن علامت « X » گذاشته اند ظاهر مقصودشان این بوده که این کتاب را ندیده اند و امروز از مؤلف کتابی باین نام در دست نیست ایضاً در صفحه ۱۰۱ که از این کتاب یاد شده علامت گذاشته اند .

ص ۷۱ :

((در سطر آخر و ماقبل آخر عبارت « لاعقب للسلطان طغرلبك » نظرشان را جلب کرده وزیر آن بامداد قرمز خط کشیده اند)) .

ص ۸۴ :

((دور تنوین « عیناً » در بیت عربی « فله عیناً من رای كقضية قضی لی بها

شیخ العراق المهلب » بامداد دایره کشیده در حاشیه نوشته اند :)) عیناً

ص ۹۳ :

((سطر با آخر مانده روی کتاب «مزیدالتاریخ» خط کشیده در حاشیه نوشته اند:))

از کیست این کتاب ؟

ص ۹۶ :

((در سطر آخر روی حرف «ض» در «نصر بن الحجاج» خط کشیده در حاشیه

نوشته اند:)) ظ ص^۱

ص ۹۸ :

((در سطر ماقبل آخر روی «وشاح دمیة القصر» خط کشیده در حاشیه علامت

«X» گذاشته اند.))

ص ۱۱۷ :

((در سنه وفات امیر ابوالعباس (سنه اثنتین و تسعین و ثلثمائة) روی «تسعین»

علامت گذاشته در حاشیه نوشته اند :)) سهو عظیم بوده مطابق معانی در انساب ۵۴۹

و یاقوت در معجم الادبا - ۲ : ۳۴۳ وفات وی در ۳۶۲ بوده است پس واضح است که

«تسعین» در اینجا محذوف و مصحف «ستین» است .

ص ۱۱۹ :

((در بیت دوم از دو بیت عربی الف مقلوب از تنوین نصب را در دو کلمه «عزیرا»

و «خیرا» محصور در دایره کرده در حاشیه نوشته اند :)) گویا حذف الف مقلوب از

تنوین نصب بنا بر سنتی است که این کار را میکنند و برای رعایت قافیه این کار را کرده

است یعنی مطابق این سنت ۲۰۰۰^۲ کرده است و طابع ملتفت این نکته که اتحاد حرکت

روی بر همه چیز مقدم است ملتفت (کذا) نشده و الف را هم شاید از خودش علاوه کرده باشد (۱۹)

ص ۱۲۳ :

((در حاشیه بیت عربی (فقل فی النصب . . الخ) نوشته اند :)) در هر زبان نامه هم

هست این بیت و گویا در حواشی انجام (انجاهم ظ) گفته ام که از کیست .

۱- نصر بن الحجاج مشهور بصباح بوده است ، عبارت چنین است « جوانی که جمال یوسف داشت

و صباح نصر بن الحجاج و ملاحت سیف بن یزن و شجاعت رستم و همت اسفندیار » .

۲- در اینجا کلمه ایست ناخوانا و ظاهراً باید «عمل» یا امثال آن باشد .

ص ۱۶۳ :

((در حاشیه قصیده عربی « من الملك الطهر المسیحی رسالة . . . الخ » نوشته‌اند))

۱- گویا این قصیده با جوابهای متعدده آن در کتاب طبقات ابن فقیه سبکی

مندرج است گویا در شرح حال قفال شاشی .

۲- ((در سطر هفدهم زیر کلمه «سریانی» خط قرمز کشیده در حاشیه علامت +

گذاشته‌اند . ظاهراً از « جواب نوشتن بتازی و سریانی متعجب شده‌اند))

ص ۲۵۴ :

((در حاشیه شرح حال « الشیخ احمد الکیال » نوشته‌اند:)) رجوع شود به کتاب

الفهرست ص ۳۰۱ که در جزو مصنفات رازی این کتاب رامی شمرد : « کتاب النقض

علی الکیال فی الامامة » و نیز رجوع شود به شهید ثانی چاپ تهران ۸۵-۸۷، که با احتمال

قوی آن دو کیال با این کیال باید با هم یکی باشند . رجوع شود بصحفه ۳۳ در کتاب

The Rise of the fatimids تالیف ایوانف ونفایس الفنون ج ۱ ص ۲۴۳

ص ۴۶۹ :

((در سطر ماقبل آخر در عبارت « بیست هزار دینار . . . حاصل کردند از ناحیت،

اول آمدن سلطان . . . الخ » کلمه «اول» را مضاف به «آمدن» خوانده (اول آمدن . . .)

در حاشیه علامت «ظ» گذاشته‌اند))

ص ۴۷۱ :

۱- ((در سطر ۸ روی کلمه «ارتش» در نام «امیر ارتش جلالی» علامت و در حاشیه

علامت سؤال مکرر (۹۹) گذاشته‌اند))

۲- ((در سطر ۱۰ روی « خوارزمشاه ینالتکین علامت و در حاشیه علامت سؤال

مکرر (۹۹۹) گذاشته‌اند . ایضاً در یادداشت‌های پشت جلد نوشته‌اند : کیست این

خوارزمشاه ینالتکین . . . الخ)) .

ص ۴۷۲ :

((در سطر ۵ و سطر ۱۴ در حاشیه «خوارزمشاه ینالتکین» علامت سؤال گذاشته‌اند

رجوع کنید یادداشت‌های ص ۲۷۱))

ص ۳۷۴ :

((در حاشیه سطر ۱۸ که اشاره بزهر دادن و مرگ سلطان ملک‌شاه شده نوشته‌اند:)) معلوم می‌شود که - بعقیده صاحب کتاب که لابد در عهد او اینطور مشهور بوده و شاید هم مطابق واقع بوده - ملک‌شاه را زهر داده بوده‌اند .

ص ۳۹۰ :

((در حاشیه بیت عربی «ت‌حاسب عیرک جهلا و تنسی» نوشته‌اند)) : این بیت را گویا بل قطعاً مؤلف جهانگشا در اواخر جلد دوم خود در جزو اشعار پدرش آورده است پس یا این‌جا الحاقی است از بعضی نسخ یا آنکه پدر عظاملک آنرا تضمین نموده بوده .

ص :

((در ص ۳۵۴ (فهرست مطالب اصل کتاب در برابر «خاندان سیدالوزراء نظام الملک» و «میکالیان» علامت + فرمز گذاشته و در برابر «فولادوند در ضمن ۴ فصل» داخل پازانتز نوشته‌اند : (از خاندان دیالمه) و در ص ۳۵۸ در برابر «امام سعید ابوعلی فضل بن حسن طبرسی» و در ص ۳۵۹ در برابر «حکیم ابو الفضل بیهقی» علامت + فرمز گذاشته‌اند)).

پایان